

## بررسی و نقد تمثیل‌های شعر پروین اعتصامی

مختار ابراهیمی\*

## چکیده

پروین اعتصامی، با انتخاب شیوه تمثیلی در بیان اندیشه‌های اجتماعی و اخلاقی با جامعه معاصر خود برخوردی انتقادی داشته است. در همین راستا جهان اندیشگی او به شکل و شمایل تمثیل‌های نمادین جلوه کرده است. او در این تمثیل‌ها اساسی‌ترین پرسش‌های انسان را مطرح کرده و در هر یک از آنها به دنبال پاسخی در خور، اجتماع را به نقد کشیده است. پروین گوشه‌های مهم اما فراموش شده زندگی را دوباره در برابر چشم مخاطب به نمایش می‌گذارد. در نظر این شاعر متعهد، انسان معاصر هم در زندگی روحی (درونی) دچار مشکلاتی شده و هم در زندگی اجتماعی (برونی) سرگشته شده است. در تحلیل این دو بعد زندگی، اعتصامی هیچ یک را بر دیگری ترجیح نداده و هر دو را در تار و پود شعر خود با نقش‌های متنوع و رنگ به رنگ بافته است. از نظر او انسان در گام‌های نخست بایسته است که در باورهای خود سرزنده و پویا باشد و آنگاه بتواند به زندگانی خود رنگ و نمای انسانی‌تری بدهد تا برای جامعه انسانی مفید واقع شود.

## کلید واژه‌ها:

پروین اعتصامی، تمثیل، نماد، نقد.

\* گروه زبان و ادبیات فارسی، اهواز، عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز- ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۴

تاریخ وصول: ۹۲/۱۱/۰۱

## مقدمه

پروین اعتصامی از جمله شاعرانی است که برای پیام شعری و شیوه آرایه آن ارزش خاصی قایل شده است؛ این زن آگاه ایرانی با توجه به مسایل گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، کوشیده است که مخاطب خود را از لابه لای تمثیل های داستان گونه با زندگی آشنایی دهد و او را راه بنماید. تأکید فوق العاده پروین بر شیوه تمثیلی به باور راسخ او نسبت به این شگرد هنری اشاره دارد. پروین زندگی پیرامون خود را با دیدی عمیق کاویده و نقاط قوت و ضعف آن را برملا کرده است. در همین راستاست که اعتصامی فقط به نقد گوشه های تاریک اجتماع نپرداخته بلکه جنبه های مثبت زندگی را هم مورد توجه قرار داده و آن جنبه ها را به نیکی به نمایش در آورده است.

او برخلاف بسیاری از شاعران که بیش از آنکه به زندگی و روزگار خود خوشبینانه بنگرند، با نالیدن از آن، مخاطب را از زندگی کردن یکسره ناامید می کنند و نیروی سرزنده زندگی را در وجود او پژمرده می گردانند؛ گویی زندگی دنیایی چیزی جز نکبت روزگار تبعید نیست. در باور پروین همان گونه که زندگی تاریکی ها دارد و روشنایی ها، اما به مخاطب خود گوشزد می کند که باید به روشنایی ها افزود و تاریکی ها را به روشنایی تبدیل کرد؛ بنابراین، این گفته سزاوار اوست که؛ «در تاریخ ادب فارسی پروین اعتصامی در میان زنان سخنور شاعری یگانه است و پایگاه وی در شعر از بسیاری از مردان شاعر نیز والاتر است.» (یوسفی، ۱۳۶۹: ۴۱۲)

شعر پروین اعتصامی از هر زاویه دیدی که نگریسته شود، چیزی جز سربلندی و افتخار برای او ندارد. اگر از زاویه دید بلاغت سنتی به شعر پروین اعتصامی بنگریم و فرم و محتوای آن را مورد تجزیه و تحلیل موشکافانه قرار دهیم، خواهیم دید که در میان شاعران سنت گرای معاصر شعر او از هر دو جهت دارای استحکام کم نظیری است. او شاعری است که هم مخاطب خود را انتخاب کرده و هم می داند چگونه موضوع مورد نظرش را در شکلی مناسب به صورت شعر عرضه کند. از این روست که پرداختن به شعر این شاعر توانا می تواند بخش هایی از ادبیات سنتی معاصر را که به طور معمول مغفول مانده است، دوباره به صحنه ادبیات برای نقد و تحلیل بیشتر بازگرداند. از آنجا

که در بررسی سبک شخصی به مهم‌ترین ویژگی‌ها نگریسته می‌شود و جنبه‌های مکرر و برجسته مورد موشکافی قرار می‌گیرد، در شعر پروین هم تمثیل و محتوای آن می‌تواند مهم‌ترین ویژگی سبک شخصی او به شمار رود.

### ۱- چرایی و چگونگی تمثیل

به شمار شاهکارهای تمثیلی می‌توان از تمثیل تعریف ارائه داد. مقصود این است که نمی‌توان در تعریفی از تمام جنبه‌های تمثیل سخن گفت؛ چرا که در آن صورت تعریف به اندازه‌ای گسترده می‌شود که به تفسیر می‌ماند تا تعریف. از این رو باید با توجه به انواع آثار تمثیلی به انواع تعریف تمثیل قائل شد.

در اغلب فرهنگ‌نامه‌ها چه ادبی چه غیر ادبی وقتی به تمثیل می‌پردازند، استنادشان بیشتر به گفته‌های پژوهش‌گران غیر فارسی زبان است؛ هر گونه ادبی با توجه به شرایط اقلیمی و فرهنگی خاصی به وجود آمده است؛ از این جهت است که در شناخت و شناساندن گونه‌های ادبی نمی‌توان به صورت مطابقت کامل عمل کرد. از این روی نمی‌توان انتظار داشت تعریف‌هایی که آن فرهنگ‌نامه‌ها ارائه می‌دهند، بر آثار تمثیلی فارسی کاملاً صدق کنند؛ به عنوان نمونه «سر فلیپ سیدنی معتقد است که شاعر از طریق تمثیل اساساً به تعلیم و تلذذ خواننده می‌پردازد و او از طبیعت پا را فراتر می‌گذارد تا به چشم اندازی از چیزهای بهتر و طلاگونه در مقایسه با طبیعت برنجین نایل آید.» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۶) چنان که ملاحظه می‌شود این تعریف بیش‌تر به دنیای «ایده آل» گرایش دارد تا به جهان «رنال»، و می‌تواند اثری تمثیلی باشد که حتی چیزها را نه تنها «طلاگونه» نبیند بلکه آنها را به صورت مسخ شده و فرو افتاده در فرسودگی به نمایش بگذارد.

تمثیل یکی از گونه‌های ادبی است در میان ملل، که از روزگاران دور و دیر رواج داشته، بوده است. تمثیل شکلی داستانی دارد که به معنایی فراسوی ظاهر خود اشارت می‌کند؛ در این نوع روایت که گاه در ساختار شعر و گاه شکل و شمایل نثر ارایه می‌شود، شخصیت‌هایی در گسترش طرح داستانی ظاهر می‌شوند که در فراسوی ظاهر خود

و در پس نقاب‌هایی که بر چهره دارند نقش یک فرد، یک تیپ یا یک طبقه گروه مردمان را به نمایش در می‌آورند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

در تمثیل از صناعات گوناگون ادبی استفاده می‌شود، یکی از بنیانی‌ترین این صناعات، رمز است که سبب ساز گسترش معنای اثر تمثیلی می‌گردد.

البته میان تمثیل و رمز تفاوتی نیز وجود دارد که به صورت گذرا بدان اشاره می‌شود؛ بدین صورت که تمثیل بیش‌تر ناظر به روایتی از شخصیت‌ها است که معمولاً در ظاهر، انسانی نیستند اما رفتار و اندیشه انسانی دارند چنان که در آثاری همچون کلیله و دمنه و مرزبان نامه دیده می‌شود ولی داستان‌های تمثیلی‌ای که جنبه رمزی آنها غلبه دارد، شخصیت‌ها انسان‌ها هستند اما افکار و اندیشه آنها جنبه فلسفی - عرفانی دارد؛ مانند آثار سهروردی و ابن سینا (رساله الطیر، عقل سرخ) همچنین « درباره تفاوت تمثیل و رمز می‌توان گفت که تمثیل نوعی تفسیر است ولی رمز تأویل‌گراست، و ارزش هنری بیشتری دارد؛ چرا که تأویل معانی چندگانه را برمی‌تابد در برابر تفسیر که تنها یک معنا را گسترش می‌دهد.» (همان: ۱۱۷)

## ۲- بررسی محتوایی تمثیل‌های پروین

پروین شاعری پیام‌گراست و قالب‌های شعری را به عنوان شیوه هنری می‌بیند تا محتوایی را در آنها ارائه کند. در این قالب‌های شعری، زبان نیز حکم فضایی را دارد که محتوا از طریق آن شاعر به مخاطب می‌رسد؛ از این جهت هم زبان و هم قالب‌های شعری در خدمت محتوا قرار گرفته‌اند.

گرایش سبکی پروین به تمثیل است « سبک مانند روحی است که در کالبد اثر دمیده شده و اثر را دارای وحدت و انسجام کرده است. » (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۶) « تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج طبع او. » (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۷۵)

طرز فکر پروین در شیوه هنری تمثیلی او نمود پیدا کرده، به گونه‌ای که این طرز فکر به شیوه تمثیلی به دلیل مکرر بودن در تمام کالبد شعر پروین به عنصر مسلط شعر او بدل گشته است. تمثیل در دیوان پروین اعتصامی هم از تازگی هنری برخوردار است و هم

بسامد بالایی دارد؛ از این رو می‌توان گرایش سبکی او را گرایش تمثیلی دانست. البته از آنجا که تمثیل از نظر پروین همچون ظرفی است برای ارائه محتوا، در این مقاله بیش‌تر به جنبه‌های محتوایی و درون مایه‌ای تمثیل‌های شعر او توجه شده است.

چرایی به کارگیری تمثیل از سوی پروین انگیزه‌های گوناگونی دارد؛ یکی این که زبان غیرمستقیم در شعر تمثیلی کارکرد هنری‌تری دارد. دیگر آنکه تمثیل - به ویژه تمثیل‌های ساده - مخاطبان بیش‌تری را می‌تواند جذب کند. سوم آنکه به طور سنتی تمثیل با ذوق مخاطب ایرانی رابطه‌ای صمیمانه‌تری داشته است و سرانجام اینکه جهان در اندیشه پروین اعتصامی جهان نمادها و تمثیل‌هاست؛ او به جای آنکه پدیده‌ها را در همان ظرف مادی خود بنگرد، با بیانش اجتماعی - اخلاقی خود، پدیده‌ها به ویژه هستی‌های غیرانسانی را دارای روح انسانی می‌داند و با خزیدن در درون هر یک از آنها، از فضای حیاتشان پرده برمی‌دارد؛ به ویژه آنکه میان حیات موجودات غیر انسانی و جامعه بشری پیوندی برقرار می‌کند تا آن دو را در رابطه دو سویه به نمایش درآورد و با بیان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن دو، جهان ایده‌آل خود را به نمایش بگذارد. بر این بنیاد پروین هم در چرایی و هم در چگونگی به کارگیری تمثیل توفیق داشته است و یکی از دلایل این که دیوان پروین یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های ادبی معاصر گشته، همین امر بوده است.

تمثیل‌های شعر پروین اعتصامی در نوع خود کم نظیر هستند؛ این امر به سبب درک درست پروین از زندگی مردم محیط‌اش و دیدگاه هنری او بوده است؛ در نظر او جامعه حال و هوایی سنتی دارد؛ بنابراین می‌باید با زبان مرسوم با آنان رابطه هنری برقرار کرد. پروین از جمله شاعرانی است که مخاطب خود را انتخاب می‌کند، روی سخن او با کسانی است که از زندگی تجربه‌ای عمیق پیدا کرده‌اند و در فضایی از جامعه سنتی دچار سختی‌های طاقت فرسا گشته‌اند؛ به همین دلیل کلام پروین برای روح زخم خورده مردم حکم تسکین موقت ندارد بلکه آنان را با دلایل و علل دردهای خود روبه‌رو می‌سازد. شیوه تمثیلی، شیوه‌ای در خور برای دردمندان جامعه سنتی شعر پروین بوده است و از این روی پروین بهتر توانسته است که شادی‌ها و غم‌های هم تباران خود را بسراید.

مخاطب پروین طبقه پایین جامعه به ویژه دردمندان و ناداران هستند که هر چند تلاش می کنند، همچنان از حق خود محروم هستند.

### ۲-۱- پیوند تمثیل و نماد در شعر پروین

در ادبیات کلاسیک فارسی تمثیل، شیوه‌ای روایی است که اجزای آن را نماد تشکیل می‌دهد، چنان که در تمثیل‌های عطار و مولوی دیده می‌شود. بر این بنیاد شاعر از نمادهای همگانی (گاهی هم شخصی) برای انسجام روایت خود استفاده می‌کند تا درون مایه‌ای را ارائه کند که در ذهن مخاطب جایگیرتر گردد. به همین دلیل هر تمثیلی آغازی دارد و از مرحله‌ای می‌گذرد و سرانجام به پایان دلخواه می‌رسد.

تمثیل‌های پروین نیز با اندک تفاوتی همانند تمثیل‌های مرسوم در ادبیات سنتی فارسی‌اند؛ چرا که بیشتر این تمثیل‌ها، نمادهای شخصی و گاه «زنانه» دارند. به سخن روشن‌تر این نمادها، از حسّی زنانه برخوردارند، حسّی که حاصل نوعی تجربه در فضای جامعه‌ی سنتی است. البته تمام فضای تمثیلات شعر پروین را نمادهای زنانه پر نکرده‌اند. اما به هر روی زن و احساسات خاصّ مادری او جایگاه مهمّی در تمثیلات شاعر یافته است.

شاید برخی با این نظر موافق نباشند که دیدگاه پروین اعتصامی رنگ و بویی از عالم زنانگی دارد ولی اگر در ژرف ساخت تمثیل‌های پروین نظر بیندازیم، خواهیم دید که پروین از زاویه دید زن سنتی جامعه ایرانی را نگاه می‌کند و در راستای همین نگاه سنتی زنانه است که پیوسته در پی آشتی و برابری میان همه انسان‌هاست. جامعه در نظر پروین اعتصامی مجموعه‌ای است از آدمیانی که کودک‌وار گاهی در نزاع با هم عمر می‌گذرانند و گاهی این نزاع بدل به همیاری‌ها و همدلی‌ها می‌گردد. پروین همچون مادری است که دوست می‌دارد همه رفتارهای انسان‌ها بدل به آشتی و یکدلی گردد و جهان از جنگ‌ها و اختلاف‌های بیهوده و عمر تلف کن به طور کامل پاک گردد. از این روست که پروین به

جهان‌نگاهی نمادین دارد که هر نمادی در جامعه رفتاری دارد که آن رفتار باید اصلاح گردد و تبدیل به بهترین شکل رفتاری انسانی گردد. به نظر می‌رسد که پروین در جهانی زندگی می‌کند که آن را نمادها احاطه کرده‌اند و او به هر سو که روی می‌آورد این نمادها هستند که با او روایتی را از آن جهان نقل می‌کنند و یا در واقع روایتی را زندگی می‌کنند و اینکه می‌گویند «بودلر جهان را جنگلی از نمادها می‌دانست.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۱۹۴) به همین ارتباط حسن شاعرانه تمام شاعران به ویژه شاعران عارف اشاره دارند، شاعرانی که در میان حسن شاعرانه خود و پدیده‌های اطراف‌شان پلی از نمادها کشیده‌اند تا از این پل به تمثیل داستانی بگذارند و زندگی را به تصویر بکشند.

### ۳- تمثیل و ویژگی‌های آن

شعر تمثیلی با توجه به نمادهای همگانی یا شخصی آن می‌تواند تفسیرهای گوناگون حتی تأویل‌های مختلف داشته باشد. ژرف ساخت این نوع از شعر برخلاف فرم و صورت به ظاهر ساده آن، پیچیدگی معنایی خاصی دارد و هر مخاطبی با توجه به میزان آگاهی و دریافت و ادراک خود می‌تواند از آن فهمی و برداشتی داشته باشد. سبب تأویل‌های مختلف در آثار تمثیلی به نقش نمادها باز می‌گردد. نماد برخلاف استعاره به معانی گوناگون اشاره می‌کند، این اشارت‌هاست که به تأویل‌های گوناگون می‌انجامد و به نحوی سبب ماندگاری بیشتر شعر می‌گردد. از آنجا که شعر تمثیلی پروین اعتصامی شعری است که جهت‌گیری‌های اخلاقی و اجتماعی دارد، ظرفیت هر نوع نقد و تحلیلی را ندارد بلکه باید با توجه به همین جهت‌گیری‌ها مورد توجه قرار گیرد. جهان نمادین پروین اعتصامی رابطه‌ای با جهان خیر محض دارد؛ به سخن دیگر در باور این شاعر اخلاقی در پی هر رفتاری یک اندیشه نهفته است که اگر در راستای جهان خیر نگریسته شود باید خواسته و ناخواسته تن به اصلاح بسپارد تا تاریکی‌هایش به روشنی تبدیل گردد.

## ۱-۳- نمادهای زندگی عینی

روایت‌های تمثیلی پروین اغلب شخصیت‌های نمادینی دارند که در زندگی عینی و شخصی حضور دارند، برخلاف تمثیل‌های کلاسیک فارسی که بیشتر جنبه‌های ذهنی و تجریدی دارند؛ به سخن دیگر پروین نمادهای روایت خود را از آنچه دم دست اوست می‌گیرد و چندان به مفاهیم تجریدی آن چنان که در نزد شاعران تمثیل‌گرای عارف دیده می‌شود نمی‌پردازد؛ چرا که مخاطب او مردمان معمولی کوچه و بازار هستند نه سالکان طریق عرفان؛ اگرچه این تمثیل‌ها از معانی عرفانی هم به دور نیستند.

روایت «سیر و پیاز» نوعی نگاه تازه دارد، در این روایت دو شخصیت نمادین یعنی؛ پیاز و سیر به مناظره‌ای روی آورده‌اند که می‌تواند یکی از مساله‌های مهم روانی هر جامعه‌ای باشد. نکته در اینجاست که نگاه پیاز که نقش دانای خودشناس را بازی می‌کند، نگاهی مطلق نیست، نگاهی خاکستری است که آدمی را آمیزه‌ای از زیبایی و نازیبایی می‌بیند.

سیر، یک روز طعنه زد به پیاز	که تو مسکین چقدر بدبویی
گفت، از عیب خویش بی‌خبری	زان رو از خلق، عیب می‌جویی
تو گمان می‌کنی که شاخ گلی	به صف سرو و لاله می‌روی
خویشتن، بی سبب بزرگ مکن	تو هم از ساکنان این کویی
ره ما، گر کج است و ناهموار	تو خود، این ره چگونه می‌پویی
در خود، آن به که نیک‌تر نگری	اول، آن به که عیب خود گویی
ما زبونیم و شوخ جامه و پست	تو چرا شوخ تن نمی‌شویی

(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۱۶۷)

ایرادی که سیر از پیاز می‌گیرد، ناظر به کاستی‌های ظاهری پدیده هاست که در این مسأله آنها گناهی ندارند و طبیعت آنها این گونه اقتضا کرده است. با چنین دیدگاهی است که سیر پاسخی در خور و آموزنده به پیاز می‌دهد او به جای شیوه برشمردن زشتی‌ها، روش آموزنده راهنمایی و ارشاد را به کار گرفته است. از این روست که هم شیوه پند دادن پیاز را اصلاح می‌کند و هم از نظر محتوایی نگاه به درون را به پیاز پیشنهاد می‌کند.



در واقع در ادبیات اخلاقی و عرفانی فارسی نگاه به درون خود و دیدن عیب‌های خود مطرح بوده است و پروین با استفاده از چنین پیشینه‌ای است که به زبان سیر و پیاز این محتوا را دوباره سازی می‌کند. گفتنی است که شخصیت‌های مطرح در شعر پروین به جهت آنکه شخصیت‌های پیش پا افتاده‌ای هستند، می‌توانند مورد توجه قرار بگیرند؛ چرا که با همه پیش پا افتاده بودنشان، چندان مورد توجه شاعران و نویسندگان سنتی قرار نگرفته‌اند و بدین گونه است که پروین با آوردنشان به صحنه شعر به نوعی طبقات پایین دست جامعه را مورد مخاطب خود قرار می‌دهد.

### ۲-۳ - گرایش‌های سیاسی - اجتماعی تمثیل‌ها

شعر پروین با زبان ساده از طریق نمایش‌های شخصیت نمادین، پیچیده‌ترین مناسبات فرهنگی و اجتماعی را یادآوری می‌کند، این یادآوری‌ها بسیار آگاهانه و صمیمانه‌اند و به همین جهت است که مورد توجه مخاطب خود قرار می‌گیرند. در تمثیلی که بازیگران آن «لاله» که نماد انسان‌های خونین دل و نرگس که نماد دولت‌مردان است، زندگی را با جلوه‌های گوناگون‌اش به نمایش درآورده است.

<p>که هر که در صنف باغ است صاحب‌هنری است شکوفه را ز خزان وز مهرگان خبری است بهر رخی که در این منظرست زیب و فری است در این صحیفه زمن نیز نقشی و اثری است هماره بر سرم از جور آسمان شرری است هر آن که در ره هستی است در ره‌خطری است به دست رهزن گیتی هماره نیشتری است که تا ز پای نیفتیم، تا که پا و سری است ز خوب و زشت چه منظور، هر که را نظری است به فقر خلق چه خندی، تو را که سیم و زری است (اعتصامی، ۱۳۶۳: ۱۶۹)</p>	<p>به لاله نرگس مخمور گفت وقت سحر بنفشه مژده نوروز می‌دهد ما را به جز رخ تو که زیب و فرش ز خون دل است جواب داد که من نیز صاحب هنرم میان آتشم و هیچ گه نمی‌سوزم علامت خطر است این قبای خون آلود بر یخت خون من و نوبت تو نیز رسد از آن، زمانه به ما ایستادگی آموخت یکی نظر به گل افکنند و دیگری به گیاه تو غرق سیم و زر و من ز خون دل رنگین</p>
--	---

نکته مهم در این شعر، نسبی بودن زیبایی و زشتی است؛ چرا که می‌گوید « هر که را نظری است » همه پدیده‌ها را در جای خود نیک می‌بیند و از تقسیم آنها به زشت و زیبا حذر می‌کند و در همین راستا نکته دیگری را هم متذکر می‌شود که دلیل ظاهر بینی نرگس مخمور را دنیاداری و دنیادوستی او دانسته است. در حالی که اگر چشم حقیقت بین داشته باشد، جهان به نوبت به دل همه خون می‌کند و هیچ کسی از دست روزگار فرار نخواهد کرد.

### ۳-۳- در آمیختن مسائل اجتماعی با بینش معرفتی

شعر پروین آمیزه‌ای از درون مایه‌های گوناگون روزگارش و شاید تمام روزگاران جامعه بشری است. او اگر چه به جامعه و محیط پیرامونش نظر دارد و روایت‌گر زیبایی‌ها و زشتی‌های آن است، دنیای گذشته و حال نیز از نظر او پنهان نمی‌ماند. به سخن دیگر در کلام پروین، موضوع‌ها و درون مایه‌ها، هر چند رنگ و نمای کاملاً شخصی به خود گرفته‌اند، اما به جهت صمیمیت احساس شاعر، دایره شمول شخصی‌شان به جامعه-ای انسانی در معنای عام کشیده می‌شود. روایت مناظره «مردمک و مژگان» بیانگر مهم‌ترین مسأله‌های زندگی بشری در طول تاریخ است، مردمک چشم نماد آن کسی است که حس مسئولیت‌پذیری برای همه دارد و مژگان هم نماد آن کسی است که خود پسند و خود رأی است. در این روایت موضوع اجتماعی کارکردن و تلاش کردن برای دیگران اندک اندک به موضوع معرفت و عرفان کشیده می‌شود.

شبی به مردمک چشم، طعنه زد مژگان	که چند بی سبب از بهر خلق کوشیدن
همیشه بار جفا بردن و نیاسودن	همیشه رنج طلب کردن و نرنجیدن
چو کارگر شده‌ای، مزد سعی و رنج تو چیست	به وقت کار، ضروری است کار سنجیدن
جواب داد که آیین کاردانان نیست	به خواب جهل فزودن، ز کار کاهیدن
کنایتی است در این رنج روزخسته شدن	اشارتی است در این کار شب نخوابیدن
مرا حدیث هوی و هوس مکن تعلیم	هنروران نپسندند خود پسندیدن...
هزار قرن ندیدن ز روشنی اثری	هزار مرتبه بهتر ز خویشان دیدن

(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۱۷۴)

نکته این تمثیل در تضادی است که پروین میان هنرمندان و هوس و هوسبازی مطرح می‌کند و در واقع معیار هنر و هنرمندی را پاکی از هوس می‌داند و هوس و هوسبازی را به فکر خویشتن بودن معنی می‌کند و بدین گونه او مسایل اجتماعی و اخلاقی را به صورت مکمل مطرح می‌کند؛ به عبارت دیگر تلاش کردن برای دیگران (حسن مسئولیت پذیری) را مهم‌ترین صفت انسان‌های هنرمند و از خویش رستگان می‌داند.

تمثیل گفت و گوی دو پرنده که یکی آزاد و دیگری در قفس است، روایتی اجتماعی را ارائه داده است. در این روایت نه برای آزادی و نه برای در قفس بودن، هیچ یک از آن دو دلیلی نیاورده است. گویی شاعر با کنایه می‌خواهد بگوید که وضعیتهای گوناگون شخصیت‌های تمثیلی او با در نظر گرفتن جبر تاریخ دلخواهی است و چندان با رفتار آنها مطابقت ندارد.

«تو را، هم نعمت و هم ناز دادند / مرا سوی قفس پرواز دادند»  
(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۲۲۳)

#### ۳-۴ - نه سپید سپید نه سیاه سیاه

پروین در جامعه‌ای انسانی نگاهی مطلق‌گرا ندارد؛ او حتی آلودگان به ناچار را شایسته سرزنش نمی‌داند.

روایتی از زبان تابه و دیگ نقل می‌کند که دیگ در نظر تابه بسیار سیاه‌رو است و از این روی دیگ مورد ملامت قرار می‌گیرد در ادامه همین روایت پروین به زیباترین وجه پاسخی فلسفی - معرفتی به ملامت گر می‌دهد.

که از ملال نمردی، چه خیره سر بودی  
ز عیب خویش، تو مسکین چه بی‌خبر بودی...  
تو نیز همچو من ای دوست بی‌هنر بودی  
به فکر روزی از این روز نیک تر بودی...  
به دامن سیاه خود، گرت نظر بودی

به کنج مطبخ تاریک، تابه گفت به دیگ  
ز دوده پشت تو مانند قیر گشته سیاه  
جواب داد که ما هر دو در خور ستمیم  
اگر ز فکر تو می‌زاد رای نیک تری  
نظر به عجب در آلودگان نمی‌کردی

من از سیاهی خود بس ملول می‌گشتم      اگر تو تیره دل از من سپیدتر بودی  
(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۱۷۹)

نکته مهمی که در این جا گفتنی است، این که اگر چه پروین اعتصامی اصولاً با توجه به برداشت‌های شاعرانه از هستی مانند دیگر شاعران زبان فارسی علاقه‌ای به برداشت‌های فلسفی از جامعه به ویژه فلسفه سیاسی نداشته است، اما به گونه‌ای غیر مستقیم آرا و اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی را از خلال تمثیل‌های شعری او می‌توان بیرون کشید. در واقع او همچون هر اهل اندیشه‌ای در محیط فرهنگی ایرانی - اسلامی پرورش یافته است؛ بنابراین می‌تواند که زیر تأثیر اندیشه‌های فلسفه سیاسی (خود آگاه یا ناخود آگاه) به ویژه آرای فارابی قرار گرفته باشد؛ چرا که به باور بسیاری بانی فلسفه سیاسی در ایران دوره اسلامی است. (پولادی، ۱۳۸۷: ۷۴)

با توجه به تمثیل‌های گوناگون پروین و ایده‌آل‌هایش می‌توان او را در زمره کسانی به شمار آورد که باور به مدینه فاضله داشته است. در همین راستا می‌توان گفت تمثیل‌های اجتماعی - سیاسی او از اندیشه‌های فارابی نسبت به مسایل جامعه چندان دور نیست. «فارابی معتقد است که رستگاری فقط در جامعه میسر می‌شود برای سعادت‌مند شدن باید جامعه‌ای درست ساخت.» (همان: ۷۵) به عبارتی روشن‌تر، پروین اعتصامی نسبت به جامعه‌های صنعتی و شبه صنعتی امروزی چندان خوش گمان نیست؛ چرا که این زندگی ماشینی است که انسان را از آن روح آرام و طبیعی و معرفت قلبی دور کرده است و سبب بیماری‌های اجتماعی و فرهنگی شده است. به باور بسیاری انسان امروزی، انسانی بی‌اسطوره و بی‌باور است که چون حیرت زده‌ای دست به هر گیاهی می‌زند بلکه از حیرانی نجات یابد. «نویسندگان، انسان امروزی را دارای افسانه‌های کم‌مایه، نارسا، یاشاید دروغین می‌دانند. مانند افسانه‌های کم‌مایه پیشرفت، یا برابری، آموزش و پرورش جهانی، همه را بدان می‌خوانند... هنگامی که راه‌های قدیمی آشنا و نامتناقض زندگی (مثل آیین‌ها و...) به وسیله مدرنیسم قطع شده است. بسیاری از مردم که نمی‌توانند فقط با مجردات زندگی کنند باید خلأ زندگی‌شان را با افسانه‌های از هم گسسته، من در آوردی و ناپخته (امروزی) پر کنند.» (رنه ولک و.. ۱۳۷۳: ۲۱۵)

## ۳-۵- مدگرایی و اصالت

اصالت یعنی خود و جامعه خود را شناختن و بر بنیاد این شناخت زندگی کردن، و آن روی متضاد خود شناسی، خویشتن خویش را نادیده گرفتن و ادای رفتار دیگران در آوردن است. پروین رفتار ظاهری هر کسی را در صورتی متناسب می‌داند که با ذات او در یک مسیر طبیعی قرار گیرد. برای همین منظور روایتی از «زاغچه و طاووس» نقل می‌کند که زاغچه می‌خواهد با پرهای رنگ رنگ طاووس خود را آراسته سازد تا زیبا شود اما پاسخ طاووس به او بسیار آگاهانه است، بدین گونه که زشتی و زیبایی به اصالت یا بی‌اصالتی برمی‌گردد و ظاهر نمی‌تواند آن را فرو پوشاند.

زارونی بود به هندوستان	زاغچه ای داشت در آن آشیان ...
باغ بکاوید و به هر سو شتافت	تا دو سه دانه پر طاووس یافت
بست دو بر دم یک دیگر به سر	گفت مرا کس نشناسد دگر
بال بیاراست پریدن گرفت	همره طاووس پریدن گرفت
دید چو طاووس در آن خود پسند	بال و پر عاریتش را بکند...
هرچه کنی هر چه ببندی به پر	گاه روش تو دگری ما دگر

(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۱۸۲)

## ۳-۶- ناداری همیشگی ناتوانان

یکی از موضوع‌هایی که در دیوان پروین بسامد بالایی دارد، فقر همیشگی ناتوانان است. از نظر شاعر دلیل این ناداری و نیاز، اصالت ذاتی این طبقه است. آنها هرگز در اندیشه آزار دیگران و انتقام نیستند و بدین گونه پروین غیرمستقیم گوشزد می‌کند که آدم‌های قدرتمند که دنیا به کامشان می‌گردد، به جهت آزار دادن دیگران و تجاوز به

حقوق آنان به مال و منال دنیایی دسترسی می یابند. در بیشتر چنین روایت هایی پیرزنان و کودکان بی سرپرست راوی فقر و ناداری هستند. خلاصه ای از این تمثیل:

از درد پای، پیرزنی ناله کرد زار	کامروز پای مزرعه رفتن نداشتم ...
هستی وبال گردن من شد ز کودکی	ای کاش این وبال به گردن نداشتم ...
فقرم چو گشت دوست شنیدم ز دوستان	آن طعنه ها که چشم ز دشمن نداشتم
گر جور روزگار کشیدم شگفت نیست	یارای انتقام کشیدن نداشتم
زان روی چرخ سنگ به سر زد مرا که من	مانند چرخ سنگ و فلاخن نداشتم ...
هرگز مرا ز داشتن خلق رشک نیست	زان غبطه می خورم که چرا من نداشتم

(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۱۹۹)

پروین در راستای همین موضوع یعنی؛ فقر و ناداری به زندگی یتیمان و بی-سرپرستان می پردازد، از آنجا که پروین دارای حسّ مهربانی مادری است، از تمثیل های گوناگون به زندگی کودکان خرد که پدر و مادر خود را از دست داده اند، اشاره می کند. گویی مهربانی انسان ها به گونه ای فراموش شده است که هیچ کس غم بی سرپرستان و یتیمان نمی خورد. البته پروین حتی به زندگی پرندگان هم حسّاس است و خطای آدمیان را در از میان بردن حقّ زندگی پرندگان گوشزد می کند.

از ساحت پاک آشیانی	مرغی پیرید سوی گلزار
در فکرت توشه و توانی	افتاد بسی و جست بسیار ...
تیری بجهید از کمائی	چون برق جهان ز ابر آزار
گردید نژند خاطری شاد	چون بال و پرش تپید در خون
از یاد برون شدش پریدن	افتاد زگیر و دار گردون
نومید ز آشیان رسیدن	مانا که دل از تپیدن افتاد
آمد شب و تیره گشت لانه	وان رفته نیامد از سفر باز
طفلان به خیال آب و دانه	خفتند و نخاست دیگر آواز
زان گمشدگان نکرد کس یاد	آن مسکن خرد پاک ایمن
خالی و خراب ماند فرجام ...	(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۲۰۲)

## ۳-۷ رنگ و نژاد

بیشتر مناظره‌های تمثیلی پروین به گونه‌ای روایت می‌شوند که میان دو طرف مجادله‌ای در می‌گیرد و سرانجام یکی از دو سوی آن پیروز می‌شود، اما گاه میان دو طرف گفت و گو، نوعی تناسب و اتفاق مطرح می‌شود که در آن هر دو در فضایی آرام به همیاری هم دیگر می‌پردازند. تمثیل کبوتر و زاغ یادآور فضایی انسانی، صلح و همیاری در دنیای آرمانی پروین است.

کبوتری، سحر اندر هوای پروازی	ببام لانه بیاراست پر، ولی نپرید
رسید بر پرش از دور، ناوکی جانسوز	میرهن است کز آن طعنه بردلش چه رسید
شکسته شد پر و بالی، نزار گشت تنی	گسست رشه امیدی و رگی بدرید
گذشت بر در آن لانه، شامگه زاغی	طیب گشت، چو رنجوری کبوتر دید
برفت خار و خس آورد و سایبانی ساخت	برای راحت بیمار خویش، بس کوشید
گهی پدر شد و گه مادر و گهی دربان	طعام داد و نوازش نمود و ناله شنید
به زاغ گفت چه نسبت سپید را به سیاه	ترا به یاری بیگانگان، چه کس طلبید
بگفت نیت ما اتفاق و یکرنگی است	تفاوتی نکند خدمت سیاه و سفید

(اعتصامی، ۱۳۶۳: ۲۱۳)

پروین در دنیای آرمانی آرزو می‌کند انسان‌ها به آشتی برسند و صفت‌های نیک انسانی مهم‌ترین ارزش‌های جامعه بشری گردد. این زن - مادر بر فراز زندگی معاصر ایستاده و تمام پلشتی‌های آن را دیده و تلاش می‌کند مردمان را متوجه سازد که آنان می‌توانند با هم در فضایی آرام به زندگی خود بپردازند.

در حقیقت کلام پروین بی پیچیدگی‌های تصویری و زبانی با مخاطب همدل و همزبان گشته تا او را به موقعیت خود در جهان متوجه سازد؛ جهانی که اسیر زندگی به ظاهر مدرن گشته و در این جهان، مهربانی خود را قربانی کرده و به خودپسندی و عیب-

جویی مشغول شده است؛ جهانی مدرن و صنعتی بی مهر و عطف و مردمانی که عیب جو و خودپسندند.

چه برتری است ندانم به مرغ مردم را  
جزاین که دعوی باطل کند که انسانی است  
در این قبیله خود خواه هیچ شفقت نیست  
چونیک در نگری هرچه هست عنوانی است  
(همان: ۲۲۹)

Archive of SID



## نتیجه گیری

پروین اعتصامی با بهره‌گیری از روایت‌های تمثیلی سعی داشته است که عینیات زندگی خود و جامعه معاصر خود را با همه پستی و بلندی‌هایش به نمایش بگذارد. او در این نمایش از نمادهایی بهره برده که در هر نوع زندگی، چه اشرافی چه معمولی، حضور داشته‌اند تا بدین شیوه با مخاطب خود رابطه صمیمانه‌تری برقرار کند و او را با تجربه‌های عمیق زندگی درگیر سازد. در همین راستاست که این شاعر متعهد انسان را به توجه بیش‌تر به اطراف و محیط زندگی خود فرا می‌خواند.

در شعر پروین اعتصامی، محیط زندگی از فقر و بدبختی‌های خواسته و ناخواسته پر گشته است. بدین منظور است که گاهی صحنه تمثیلی شعر را طوری می‌چیند که تمام افراد آن باید خود را در سرنوشت جامعه مسوول بدانند و آنها را از عیب‌جویی و شانه خالی کردن از تعهد اجتماعی برحذر می‌دارد.

شعر پروین اعتصامی بیانگر یک جامعه سنتی است که درگیر بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی شده است. در چنین شرایط نا به‌هنجار، پروین به انسان‌ها یادآوری می‌کند که طوری زندگی کنند که جایی هم برای حضور دیگران باقی بگذارند؛ چرا که شرایط زندگی چه خوب و چه بد حاصل حضور همه آنان در صحنه جامعه بوده است. از این روست که گاه دیده می‌شود شخصیت‌های نمادین شعر او با همه تفاوت‌هایشان یار و مددکار همدیگر شده‌اند.

## منابع و مأخذ

- ۱- آراین پور، یحیی، (۱۳۷۵)، *از صبا تا نیما*، تهران، انتشارات زوآر، چاپ ششم.
- ۲- ابراهیمی، مختار، (۱۳۸۹)، *گونه های ادب*، اهواز، انتشارات معتبر، چاپ اول.
- ۳- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، *شعر رندانه*، اصفهان، انتشارات مولانا، چاپ اول.
- ۴- اعتصامی، پروین، (۱۳۶۳)، *دیوان پروین اعتصامی*، تهران، کتاب فروشی حافظ، چاپ اول.
- ۵- پولادی، کمال، (۱۳۸۷) *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام*، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۶- ثروت، منصور، (۱۳۸۵)، *آشنایی با مکتب های ادبی*، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
- ۷- حسین پورجافی، علی، (۱۳۸۴)، *جریان های شعری معاصر فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۸- داد، سیما، (۱۳۸۵)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دوم.
- ۹- رنه ولک و آوستن وارن، (۱۳۷۳)، *نظریه ادبیات*، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران، انتشارات اندیشه های عصر نو، چاپ اول.
- ۱۰- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، *شعر بی دروغ، شعر بی نقاب*، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفتم.
- ۱۱- محمدی، حسن علی، (۱۳۷۹)، *شعر معاصر ایران: از بهار تا شهریاری*، تهران، نشر ارغنون، چاپ چهارم.
- ۱۲- مقدادی، بهرام، (۱۳۷۸)، *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی*، تهران، انتشارات فکر روز، چاپ اول.
- ۱۳- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۶۹)، *چشمه روشن*، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول.